

دیوان وحشی بافقی

مصطفی خان:

مهندس محمد هاشمی
سر هنگ حمید هاشمی
دکتر مسعود هاشمی



سرشناسه: وحشی بافقی،
 عنوان و پدیدآورنده: دیوان وحشی بافقی
 مشخصات نشر: تهران، فرهنگ جامع، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۵۳۶ ص: ۱۷۵۲۴ س.م.
 شابک: 978-600-5214-59-8
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
 یادداشت: عنوان اصلی به انگلیسی: Divan Vahshi Bafghi
 موضوع: دیوان شعرا
 موضوع: شعر - ادبیات کهن
 شناسه افزوده: هاشمی، محمد، ۱۳۶۳ - مصحح
 رده‌بندی کنگره: 1390 PIR6155
 رده‌بندی دیوینی: 81/4
 شماره کتابخانه ملی: 5318522

vahshi vesal saber vahshi vesal saber vahshi vesal saber vahshi vesal saber vahshi vesal saber vahshi vesal saber

دیوان وحشی بافقی

✻ مصحح: مهندس محمد هاشمی ✻ حروفچینی و صفحه‌آرایی: فرهنگ جامع ✻ لیتوگرافی: سماء
 ✻ چاپخانه: فرازاندیش سبز ✻ صحافی: گلستان ✻ چاپ اول: ۱۳۹۰ ✻ شمارگان: ۱۰۰۰
 ✻ شابک: 978-600-5214-59-8 ✻ حقوق چاپ و انتشار این نسخه از دیوان
 وحشی بافقی که توسط انتشارات فرهنگ جامع تصحیح و ویرایش شده است، محفوظ و
 متعلق به ناشر است. تایپ، اسکن، چاپ و انتشار تمام یا بخشی از این نسخه،
 بدون مجوز کتبی از ناشر، تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

انتشارات فرهنگ جامع

تهران - خیابان انقلاب، روبه‌روی درب اصلی دانشگاه تهران، خیابان فخر رازی،
 «خیابان لبافی‌نژاد»، نیش کوچه اسلامی، پلاک ۱۸۶، طبقه ۱ ✻ تلفن: ۶۶۴۹۶۹۹۷ /
 ۶۶۴۸۲۸۰۰ ✻ تلفاکس: ۱۷۸ ۶۶۴۰۰ ✻ صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۵۶۷



شامل

غزلیات

قصاید

ترکیب‌بندها

ترجیع‌بندها

رباعی‌ها

مثنوی‌ها

منظومهٔ مُخلدپرین

منظومهٔ فرهاد و شیرین

ادامهٔ منظومهٔ فرهاد و شیرین وحشی توسط وصال شیرازی

ادامهٔ منظومهٔ فرهاد و شیرین وحشی توسط صابر شیرازی

فہرست مندرجات

۱۰	 سخن ناشر
۱۳	 غزلیات
۱۷۷	 قصیدہ ہا
۱۷۷	 مدح شاہ غیاث الدین محمد میر میران
۱۸۰	 ستایش پروردگار
۱۸۲	 مدح امیر المؤمنین، علی (ع)
۱۸۴-۱۹۱	 مدح شاہ غیاث الدین محمد میر میران
۱۹۴	 مدح امام دوازدهم، حضرت مهدی (عج)
۱۹۶	 مدح شاہ تہماسب
۲۰۰-۲۱۵	 مدح شاہ غیاث الدین محمد میر میران
۲۱۸	 مدح عبداللہ خان اعتماد الدولہ
۲۲۴-۲۲۸	 مدح شاہ غیاث الدین محمد میر میران
۲۲۸	 مدح شاہزادہ آزادہ شاہ خلیل اللہ
۲۳۲	 مدح پیامبر اسلام، محمد مصطفیٰ (ص)
۲۳۲-۲۳۵	 مدح امیر المؤمنین، علی (ع)
۲۳۸	 مدح امام ہشتم، حضرت امام رضا (ع)
۲۴۰-۲۴۲	 مدح شاہ غیاث الدین محمد میر میران
۲۴۴	 مدح بکناش بیگ حکمران کرمان
۲۴۸-۲۵۱	 مدح شاہ غیاث الدین محمد میر میران
۲۵۴	 مدح امیر المؤمنین، حضرت علی (ع)
۲۵۶	 مدح شاہ غیاث الدین محمد میر میران
۲۵۸	 مدح بکناش بیگ حکمران کرمان
۲۶۶	 مدح امیر المؤمنین، علی (ع)
۲۶۷	 مدح شاہ غیاث الدین محمد میر میران
۲۷۳	 مدح حضرت علی، امیر المؤمنین (ع)
۲۷۶	 مدح شاہ تہماسب
۲۷۹	 قطعات

ترکیب‌بندها ۲۹۲

مدح شاه غیاث‌الدین محمد میر میران ۲۹۶-۲۹۸

هجو ملا فہمی ۳۰۳

در سوگواری حضرت حسین (ع) ۳۰۵

در سوگواری قاسم بیگ قسمی ۳۰۷

سوگواری بر مرگ دوست ۳۱۵

سوگواری بر مرگ شاه ۳۱۸

سوگواری بر مرگ شرف‌الدین علی ۳۱۹

سوگواری بر مرگ برادر ۳۲۲

ترجیع‌بندها ۳۲۳

رباعی‌ها ۳۲۹

مثنوی‌ها ۳۳۸

مدح ولی سلطان، عباس بیگ، بکتاش بیگ و قاسم بیگ ۳۴۷

مدح کاخ شاه غیاث‌الدین محمد میر میران ۳۵۱

تاریخ بنای گرمابه میر میران ۳۵۲

نامه‌ای به دلدار سفر کرده ۳۵۳

منظومۂ خلد برین ۳۵۶

آغاز سخن ۳۵۶

حکایت ۳۵۹-۳۷۲

منظومۂ ناظر و منظور ۳۷۵

نظر اعتبار بر صورت عالم گشودن و راه سخن به گام عرفان طی نمودن در سر این معنی
 که درون از پرده موجودات واجب‌الوجودی هست و برون از حلقه کائنات معبودی که
 حرکت هر جاننداری از قدرت اوست و کثرت تغییر عالم شاهد بر وحدت او. ۳۷۶
 دست نیاز به درگاه بی‌نیاز گشودن و از حضرت باری التماس رستگاری نمودن. ۳۷۷

مشقب‌خانه را بر گهر نهادن و رشته‌های گهر معنی را ترتیب‌دادن در ایثار تاجداری که گهر
 ذاتش باعث دریای آفرینش است و جوهر صفاتش منشاء فیض ارباب بینش است. ۳۷۸

- طلوع کردن اختر معانی از افق سپهر نکته‌دانی در
تعریف شبی که اخترش طعنه بر نور بدر می‌زد و صبحش طعنه بر شام قدر ۳۷۹
- رو به میدان معانی کردن و تیغ دو زبان بر آوردن در مدح شهسواری که از دو انگشت
نوک تیغ دوسر دیده شرک را کور نموده و از بنان ذوالفقار پیکر باب خیر گشاده ۳۸۱
- منشأ انشاء این نامه غریب‌المعانی و باعث تصنیف این نسخه نادر بیانی ۳۸۲
- پایه سریر معانی بر عرش نهادن و گام فکر در عرصه سپهر گشادن در
مدح شهسواری که فضای هستی گویی از اقلیم اوست جهانیان را سر بر خط تسلیم او ۳۸۴
- حکایت ناقل این مقاله و شکایت قایل این رساله
در بی‌وفایی یاران ربایی و دلایل بر فضیلت گوشه‌نهایی ۳۸۵
- شیر حکمت از پستان خامه گشادن و طفل فسانه را در مهد
خیال پرورش دادن در آغاز حکایت عشق‌بازی و ابتدای روایت نکته‌سازی ۳۸۷
- لوح معنی در دامن حکایت نهادن و زبان یادرس نکته گشادن
در تعریف مکتبی که لعبت‌خانه چین از او نشانیست و حدیث خلد برین افسانه‌ای ۳۸۹
- بیان خوابی و اظهار اضطرابی که ناظر را از راز پنهان از بی‌صبری
خبر داده و داغ ناصبوری‌اش بر جگر نهاده و حکایت مفارقت و شکایت مهاجرت ۳۹۱
- بی‌تابی ناظر از شعله جدایی و اضطراب نمودن از داغ بینوایی
و خوبستن را بر مشق جنون داشتن و شرح درون خویش بر چهره معلم نگاشتن ۳۹۳
- رفتن معلم به‌خانه دستور و بیان کردن عشق
ناظر به منظور و مقدمه درد فراق و آغاز حکایت اشتیاق ۳۹۴
- بیان ظلمت شب دوری و اظهار محنت مهجوری و شرح حال
ناظر دور از وصال منظور و صورت احوال او در پایداری آن شب ۳۹۶
- ناقه خیال در وادی سخن راندن و لعبت نظم را در هودج اندیشه
نشانندن در رفتن ناظر از اقلیم وصال و خیمه زدن در سر منزل رنج و ملال ۳۹۷

- یاد نمودن ناظر از بزم آشنایی و ناله کردن از اندوه جدایی
و شکایت بخت نامساعد بر زبان آوردن و حکایت طالع نامناسب کردن..... ۳۹۹
- تعریف محیطی که موجش با قوس و قزح برابری
می‌کرد و کشتی‌اش به زورق آفتاب بی اعتنا بود..... ۴۰۲
- خبر یافتن منظور از رفتن ناظر و برون آمدن از شهر آشفته‌خاطر و
به کاروان مقصود رسیدن و از نامه ناظر شادمان شدن..... ۴۰۴
- رفتن آن شهسوار شهاب نازیانه و شاهباز فلک آشیانه به جست و جوی
آن آهوی سر در پیابان محنت نهاده و آن پرنده دور از مقام عزت افتاده..... ۴۰۵
- رسیدن آن گل نودمیده چمن رعنائی و سرو تازه رسیده گلشن زیبایی به مرغزاری که
پنجه چنارش شاخ بیداد شکستی و آفتاب بلندپایه در سایه بیدش نشستی..... ۴۰۶
- سفیران قیصر روم به کشور مصر رسیدند و از سخن پادشاه مصر ناامید شدند
و از نزد او بازگشتند و مقدمه جدال فراهم شد و قتال آغاز گردید..... ۴۰۹
- نامه مجنون ناظر در کشتی و اعتراف او به دیوانگی..... ۴۱۳
- خواب دیدن منظور را و زنجیر پاره ساختن وصیت مجنون در بابان مصر انداختن..... ۴۱۴
- رسیدن ناظر به کوهی که سنگ و شیشه سپهر را شکستی و پلنگش در کینگاه گردون نشستی..... ۴۱۵
- گرمی شعله آفتاب در عالم فتادن و مرغ آبی از غایت گرما منقار از هم گشادن و رفتن
شاهزاده از مصر به سبزه‌زاری که از لطف نسیم آن روح مسیحا تازه گشتی و با فیض
چشمه سارش، خضر از آب زندگانی گذشت..... ۴۱۶
- رفتن شاهزاده منظور به شکار و باز را بر
کبک انداختن و شام فراق ناظر را به صبح وصال مبدل ساختن..... ۴۱۸
- آمدن ناظر و منظور به لشکرگاه اقبال و آگاهی شاه جهان‌پناه از صورت
احوال و استقبال کردن ایشان و شرایط اعزاز به‌جا آوردن..... ۴۲۱
- عروس خیال از حجله اندیشه برون آوردن و او را در نظر ناظران
جلوه‌دادن در تعریف بزمگاه سرور و صفت دامادی منظور..... ۴۲۳

نشستن شاهزاده بر تخت شهریاری و بلند آوازه گشتن در خطبه کامکاری
و در اختصار قصه کوشیدن و لباس تمامی بر شاهده فسانه پوشیدن. ۴۲۶

دایره پرگار سخن را از پرگارخانه دو زبان ساختن و در میدانگاه خانه بیان علم
فراغت افراختن و خانه سخن را به مناجات مثنی کردن و نامه کن و خامه قدرت
تمام نمودن رساله رسالت به نعمت مهر محمدی ختم نمودن. ۴۲۸

منظومه فرهاد و شیرین. ۴۳۰

ستایش پروردگار. ۴۳۰

راز و نیاز با پروردگار. ۴۳۲

ستایش پیامبر اعظم حضرت محمد مصطفی (ص). ۴۳۵

وصف شب معراج پیامبر (ص). ۴۳۸

ستایش امیرالمؤمنین، علی (ع). ۴۴۰

ویراستگی و نیکویی سخن. ۴۴۲

حکایت. ۴۴۴

در ستایش خاموشی و عشق. ۴۴۵

چگونگی عشق. ۴۴۷

حکایت. ۴۴۸-۴۴۹

ستایش عشق. ۴۵۰

حکایت. ۴۵۱

آغاز داستان و چگونگی عشق. ۴۵۲

شیرین به خادمانش دستور داد تا سرزمینی سبز و خرم را بیابند. ۴۵۶

خادمان شیرین دشت بیستون را یافتند و به او خبر دادند. ۴۵۷

حکایت. ۴۵۹

بیرون آمدن شیرین از مشکوی خسرو. ۴۶۰

شیرین معماران هنرمند را برای بناکردن قصرش فراخواند
و خادمانش فرهاد را یافتند. ۴۶۲

- گفتگوی خادم‌ان شیرین با فرهاد و بُردن او نزد شیرین ۴۶۴
 شیرین در ملاقات با فرهاد، از او دلربایی کرد ۴۶۹
 راز و نیاز مخفی شیرین و فرهاد ۴۷۲

ادامه منظومه فرهاد و شیرین وحشی توسط وصال شیرازی ۴۷۶

- معرفت و مقام عشق ۴۷۶
 فرهاد در دام عشق شیرین گرفتار شد ۴۷۷
 شیرین، فرهاد را مأمور گندن کوه بیستون کرد ۴۸۰
 شیرین شرط گذاشت که فرهاد کوه بیستون را
 به منظور ایجاد یک عمارت بکند و فرهاد شرط شیرین را پذیرفت ۴۸۲
 مرغزاری که شیرین در آن بادباهش در باره زیبایی خودش گفتگو کرد ۴۸۲
 دایه شیرین او را پند و دلداری می‌دهد ۴۸۵
 چگونگی عشق فرهاد نسبت به شیرین و شروع گندن کوه بیستون بانیروی عشق و محبت شیرین ۴۸۷
 محبت و شور عشق فرهاد در فراق شیرین ۴۸۹
 شیرین محبت خودش را به فرهاد ابراز می‌کند ۴۹۱
 گفتگوی مرد عاقل از مقامات عشق با مجنون و جواب مجنون ۴۹۵
 شیرین به کوه بیستون رفت و فرهاد را مورد محبت خود قرار داد ۴۹۶
 ستودن حفظ راز درون که آسایش دو جهان است ۵۰۲
 شیرین در دشتی پُر از گُل قدم می‌زد که نامه خسرو را دریافت کرد ۵۰۸
 شیرین جواب خسرو را نوشت و به خاطر عشق و محبت او بادیگران، وی را عتاب کرد ۵۱۱
 توصیف وصل و هجران خوبان و رفتن شیرین به تماشای بیستون ۵۱۶

ادامه منظومه فرهاد و شیرین وحشی توسط صابر شیرازی ۵۲۵

- پاسخ شیرین به فرهاد ۵۲۶
 شیرین برای دلجویی از فرهاد از کوه بیستون پایین آمد ۵۲۸
 غزل خواندن فرهاد ۵۳۰
 پاسخ شیرین به پرستارانش ۵۳۰
 مصاحبت شیرین و فرهاد ۵۳۱
 شیرین در کار عشق، فرهاد را آزمایش می‌کند ۵۳۳

سخن‌ناشر

بی‌تردید، اشعار عمده شاعران قدیم و شماری از شعرای معاصر ایران زمین، در زمره عالی‌ترین مفاخر ادب و ادبیات پارسی است. هر فرد اهل ذوق و ادب، وقتی با دقت به‌خواندن اشعار با وزن و قافیه شعرا می‌پردازد، از توانمندی حیرت‌انگیز آن بزرگان در تبدیل داستان‌های اسطوره‌ای منثور به منظوم یا چیدن موزون کلمات در کنار هم و ساختن اشعاری دل‌انگیز و عبرت‌آموز، در شگفت می‌شود.

آدمی تا خودش دستی بر قلم نداشته باشد و اهل ساختن سخن نباشد یا شاعری موزون سرا نباشد یا در خواندن آثار ناب منظوم و منثور، اهل ذوق و دقت و تعمق نباشد، نمی‌تواند به عمق ارزش‌ها و دشواری‌های ایجاد سروده‌های منظوم ناب و نوشته‌های منثور جاوید و قدرت خارق‌العاده سرایندگان و نویسندگان بزرگ پی‌ببرد. آن‌چه ملت ایران را به لحاظ شعر و ادب در جهان سرشناس ساخته و برخی از اهل ادب جهان را مشتاق خواندن و بزرگان ادب جهان را علاقه‌مند خواندن، تصحیح یا ترجمه آثار شعرای ما نموده است، اشعار منظوم و موزون برخی از شاعران به نام قدیم و معاصر ایران بوده است. شاعران و نویسندگان ما، هر یک سهمی در شکوفایی و تکامل زبان و ادب فارسی داشته‌اند. اما درست همانند سایر خلاقیت‌های بشری، در کار شعر و نویسندگی نیز می‌توان شاعران و نویسندگان را براساس میزان تأثیر آثارشان روی شکوفایی زبان و ادب پارسی، در سه گروه عالی، خوب و متوسط طبقه‌بندی نمود. به نظر من، از وحشی بافقی باید در زمره شاعران خوب یاد نمود. وحشی نیز همچون برخی دیگر از سرایندگان شعر منظوم: در سرودن «غزل، قصیده، قطعات، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، رباعی‌ها، مثنوی‌ها و منظومه‌ها» دست داشته است. البته با نگرشی عمیق به انواع اشعار موجود در دیوان وحشی، به سادگی نمی‌توان گفت که وحشی در کدام یک از صور شعر، توانمندی بیشتری داشته است، اما می‌توان گفت که او در انواع شعر، هم ابیاتی موزون و ساده‌فهم و زیبا دارد و هم ابیاتی ناموزن و

دشوار فهم و گاه غیر قابل فهم « غیر قابل فهم، لا اقل توسط این بنده! » و این بنده فردی هستم دارای دکترای، اهل قلم و ناشر که پس از اخذ دکترای و در طول ۳۰ سال گذشته، با متوسط ۱۰ ساعت کار خواندن و نوشتن در هر شبانه روز، بیش از ۸۰ عنوان کتاب تخصصی و متجاوز از ۱۲۰ عنوان کتاب در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، دینی و غیره نوشته‌ام! ناگفته پیداست که هدف از معرفی خودم در این جا، ذکر این حقیقت است که وقتی چنین فردی نظم یا نثری را بخواند و درکش برای او دشوار و گاه غیر ممکن باشد یا تشخیص دهد که پدید آورنده نظم یا نثر، در مواردی ناتوان بوده یا بر خلاف آوازه‌اش سهل انگاری نموده است، پس از چه قشری می‌توان انتظار درک بیشتر یا بهتری از برخی آثار داشت؟ بی‌تردید، شاعران فقط برای شاعران شعر نمی‌سرایند و نویسندگان فقط برای متخصصین ادبیات نمی‌نویسند و لذا ارزش هر مکتوب منظوم یا منثور به این است که لا اقل تحصیل کرده‌های عالی و به خصوص اهل قلم مجبور نباشند که مکتوبات آن‌ها را چندین بار بخوانند تا بتوانند معانی واقعی آن‌ها را درک کنند و گاه با چندین بار خواندن هم قادر به درک مطلب نباشند. متأسفانه در دیوان وحشی، من در کنار ابیاتی موزون و دل‌انگیز، مصرع‌ها و ابیات فراوانی را یافته‌ام که دشوار فهم و گاه غیر قابل فهم و در برخی موارد از شاعری با چنان آوازه، بسیار بعید به نظر می‌آمدند.

به هر حال، دیوان وحشی بافقی نیز کاریست که پس از سپردن کار نشر توسط من «ناشر» به پسرانم «محمد و سعید»؛ آن‌ها تصمیم به انتشار آن گرفتند. برای این کار، محمد نسخه‌ای تایپ شده با ادعای غلط‌گیری شده را از ناشری خرید و با این خیال که نسخه مذکور فاقد اغلاط تایپی است، قصد انتشار آن را داشت. اما قبل از چاپ با او با من مشورت نمود و من به او توصیه کردم که هرگز هیچ کتابی را قبل از آن که خودش به طور کامل آن را بخوانی و از صحت و ویراستگی مندرجات آن مطمئن شوی، تصمیم به چاپ آن نگیری! بنابراین، ضمن تشویق او به انجام کار غلط‌گیری دیوان وحشی، در خصوص تصحیح متن نیز او را راهنمایی کردم و درحین کارش، از صرف وقت برای مشورت با او مضایقه نکردم و وقتی کار او به اتمام رسید، خودم نیز یکبار سراسر متن منظوم این دیوان را خواندم.

لازم به ذکر است که من ضمن بررسی چند نسخه انتشار یافته توسط ناشرین مختلف، دریافتم که مشکل فقط مربوط به اغلاط تایی فراوان موجود در آن نسخه ادعاشده به عنوان آماده چاپ نبوده، بلکه در نسخه‌های منتشر شده نیز تقریباً به وفور اغلاط تایی یا املایی وجود دارد. با آگاه شدن از مشکلات فوق در نسخه مذکور، تصمیم بر آن شد که آن نسخه با دقت غلط‌گیری املایی شود. ضمناً آیین نگارش امروزی در خصوص درست‌نویسی کلمات در سراسر متن اعمال شود و نیز در حد توان، به کار تصحیح مصرع‌ها و ابیات پرداخته شود. یادآوری می‌شود که در کار تصحیح این نسخه از دیوان وحشی، تلاش فراوان مبذول شد که در راستای بالابردن موزونی اشعار و سهولت خواندن و درک معانی، تأثیرات مثبتی اعمال گردد.

اقدامات انجام شده در کار تصحیح این نسخه، عبارتند از: غلط‌گیری تایی «املایی» - جایگزینی برخی از کلمات با کلمات درست به لحاظ آیین نگارش یا به منظور موزون‌سازی برخی از مصرع‌ها و ابیات - انجام اصلاحات در کاربرد نابه‌جای حروف ربط و اضافه - اعمال اعراب‌گذاری روی یک یا دو حرف از برخی کلمات به منظور سهولت درست‌خوانی و فهم بهتر برخی از مصرع‌ها. با این اصلاحات، در هر صفحه به طور متوسط ۱۵ غلط‌گیری تایی، ویرایشی یا اصلاحی و در سراسر این نسخه، حدود ۷۵۰۰ کلمه مورد اصلاح قرار گرفت. بدون شک، با کار مصحح «مهندس محمد هاشمی» روی این نسخه از دیوان وحشی، تأثیر بسیار مهمی روی کیفیت این نسخه که خاص «انتشارات فرهنگ جامع» است، گذاشته شده است. اما به اعتقاد من، فردی ذیصلاح از اهالی شعر منظوم، باید به تصحیح دقیق و کارشناسانه‌تر کل دیوان وحشی بافقی همت گمارد.

..... ناشر